

«تولید، ستون فقرات اقتصاد است.» این عبارت به‌خوبی جوهره شعار سال ۱۴۰۴، یعنی «سرمایه‌گذاری برای تولید» را بازتاب می‌دهد. شعاری که نه‌تنها یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی برای عبور از گره‌های پیچیده و مزمن اقتصادی کشور به‌شمار می‌رود. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌هایی چون تورم ساختاری، بیکاری فزاینده و وابستگی ناپایدار به درآمدهای نفتی دست‌وپنجه نرم می‌کند، تمرکز بر تولید به‌عنوان محور اصلی توسعه، نودیبخش آغاز فصلی تازه از شکوفایی اقتصادی و ارتقای توان ملی است. سرمایه‌گذاری هدفمند در بخش تولید، به‌ویژه در صنایع دانش‌بنیان و مزیت‌دار، می‌تواند موتور محرک رشد اقتصادی کشور باشد. چراکه از یک‌سو موجب کاهش وابستگی به واردات و تقویت صادرات غیرنفتی می‌شود و از سوی دیگر بستری برای ایجاد اشتغال پایدار و توانمندسازی نیروی کار فراهم می‌آورد. با این حال، تحقق این هدف بزرگ بدون رفع موانع ساختاری، اصلاح نظام بانکی و مالی، ثبات سیاست‌های اقتصادی و ارتقای شفافیت و امنیت فضای کسب‌وکار، امکان‌پذیر نخواهد بود. اکنون بیش از هر زمان دیگری، نیازمند هم‌افزایی نهادهای حاکمیتی، بخش خصوصی و نخبگان اقتصادی هستیم تا با نگاه بلندمدت و تصمیمات جسورانه، مسیر تولیدمحور توسعه را هموار سازیم و اقتصاد ایران را به سوی پویایی، تاب‌آوری و خوداتکایی سوق دهیم.

شعار سال ۱۴۰۴، «سرمایه‌گذاری برای تولید»، در ادامه نامگذاری‌های اقتصادی سال‌های اخیر، بر تقویت پایه‌های تولیدی اقتصاد ایران تأکید دارد. اقتصاد کشورمان، با وجود ظرفیت‌های عظیم نیروی انسانی جوان، منابع طبیعی غنی و موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، از مشکلات ساختاری رنج می‌برد. تورم بالای ۴۰درصد در سال‌های اخیر، کسری بودجه مزمن، ناترازی نظام بانکی و بی‌ثباتی در سیاست‌های ارزی، سرمایه‌گذاری در بخش تولید را به چالش کشیده است. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی در دهه گذشته به حدود ۲۰درصد کاهش یافته، در حالی که در اقتصادهای پویا، این نسبت اغلب بالای ۳۰درصد است.

سرمایه‌گذاری در تولید، فراتر از یک شعار، ضرورتی راهبردی برای توسعه پایدار است. تولید داخلی با ایجاد ارزش افزوده، اشتغال و درآمد، موتور رشد اقتصادی را به حرکت درمی‌آورد. این رویکرد سه مزیت کلیدی دارد: نخست، کاهش وابستگی به واردات و صرفه‌جویی در منابع ارزی. دوم، افزایش عرضه کالاها و خدمات که به مهار تورم کمک می‌کند. سوم، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار که بیکاری را کاهش داده و عدالت اجتماعی را تقویت می‌کند. برای مثال، توسعه صنایع کوچک و متوسط می‌تواند، سالانه صدها هزار شغل جدید ایجاد کند.

با این حال، موانع متعددی پیش‌روی تحقق این شعار وجود دارد. کسری بودجه دولت که اغلب از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود، به تورم دامن زده و نااطمینانی اقتصادی را افزایش داده است. نظام بانکی نیز به دلیل انباشت مطالبات غیرجاری و ناترازی‌های گسترده، توان تأمین مالی مؤثر بخش تولید را ندارد. گزارش‌های اقتصادی نشان می‌دهد، بخش عمده نقدینگی کشور به سمت فعالیت‌های غیرمولد مانند سفته‌بازی در بازار ارز، طلا و مسکن هدایت می‌شود. علاوه بر این، فضای کسب‌وکار کشورمان به دلیل دیوان‌سالاری پیچیده، قوانین ناپایدار و برخی تخلفات، برای سرمایه‌گذاران جذاب نیست. رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی، در سال ۲۴-۱۲۷،۲۰۲۴از میان ۱۹۰ کشور بود.

برای غلبه بر این چالش‌ها، دولت باید سیاست‌های منسجمی را اجرا کند. نخست،

اصلاح ساختار بودجه برای کاهش کسری و جلوگیری از تأمین مالی تورمی ضروری است. دوم، بهبود فضای کسب‌وکار از طریق ساده‌سازی قوانین، کاهش زمان صدور مجوزها و مبارزه با تخلفات، سرمایه‌گذاران را جذب می‌کند. سوم، تقویت بازار سرمایه به‌عنوان کانالی برای هدایت سرمایه‌های مردمی به سمت تولید، نقش کلیدی دارد. عرضه سهام شرکت‌های تولیدی در بورس و ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند منابع مالی مورد نیاز را تأمین کند.

■ نقش بخش خصوصی و نوآوری در تقویت تولید

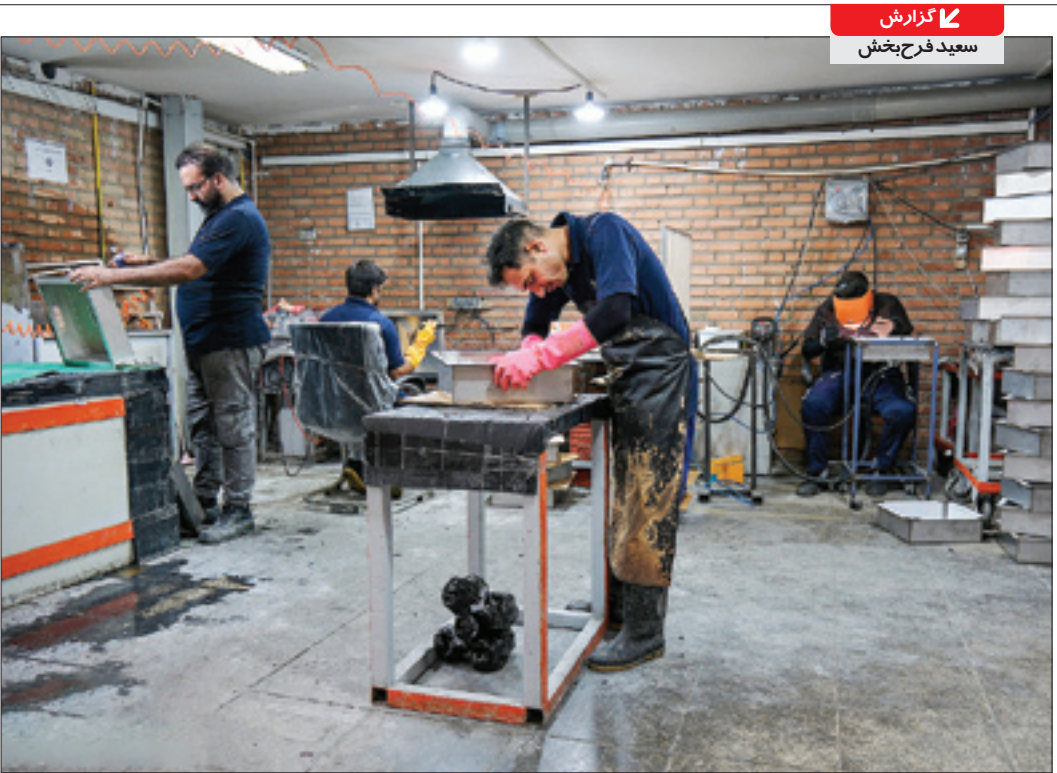
بخش خصوصی و مردم، بازوان اصلی تحقق شعار سال هستند. سرمایه‌های خرد و کلان مردمی، اگر به‌درستی هدایت شوند، می‌توانند موتور تولید را روشن کنند. اما این امر مستلزم ایجاد اعتماد و امنیت اقتصادی است. تضمین حقوق مالکیت، اجرای قرار دادها و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، وظایفی است که دولت و قوه‌قضاییه باید در اولویت قرار دهند. طرح‌های تشویقی مانند معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات کم‌بهره نیز می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. تجربه کشورهایی مانند سنگاپور و کره جنوبی نشان می‌دهد، همکاری دولت و بخش خصوصی در هدایت سرمایه‌ها به سمت تولید، کلید موفقیت اقتصادهای پویا بوده است.

فناوری و نوآوری نیز در تقویت تولید، نقش محوری دارند. سرمایه‌گذاری در صنایع

دانش‌بنیان و ارتقای بهره‌وری، رقابت‌پذیری محصولات ایرانی را در بازارهای جهانی افزایش می‌دهد. برای مثال، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و حمایت از استارت‌آپ‌ها می‌تواند بخش تولید را متحول کند. شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی در حوزه‌هایی مانند زیست‌فناوری و فناوری اطلاعات، با جذب سرمایه‌های خصوصی،

■ گزارش

سعید فرح‌بخش



دانیال شایگان اگو

سلسله گزارش‌های نقشه‌راه اقتصاد پویا-۳

از کاغذ تا کارخانه خط تولید را منحرف نکنید

سرمایه‌گذاری در تولید بدون رفع موانع ساختاری، اصلاح نظام بانکی و مالی و ثبات سیاست‌های اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد بود

در دیدار روز سه‌شنبه هفته گذشته رهبر حکیم انقلاب اسلامی با مسئولان قوای سه‌گانه، نقشه‌ای راهبردی برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشور ترسیم شد. این نقشه‌راه، شامل ۱۰محور کلیدی است، از کنترل نقدینگی و اصلاح الگوی مصرف انرژی تا رفع موانع سرمایه‌گذاری و گسترش روابط اقتصادی با همسایگان. این راهبردها نه‌تنها برای عبور

توانسته‌اند محصولات رقابتی تولید کنند. این روند باید با حمایت‌های هدفمند دولت تقویت شود. در نهایت، تحقق شعار سال نیازمند عزم ملی و هماهنگی بین قوا، بخش خصوصی و مردم است. بدون اصلاحات ساختاری، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و هدایت منابع به سمت تولید، این شعار در حد حرف باقی خواهد ماند. اما با اجرای سیاست‌های درست، اقتصاد ایران می‌تواند به سمت پویایی، خودکفایی و رشد پایدار حرکت کند.

■ ■ ■

■ برای واکاوی موضوع با حسن چنراتی، اقتصاددان به‌گفت‌و‌گو نشستیم

چرا شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» برای اقتصاد کشورمان حیاتی است؟

شعار سال ۱۴۰۴، نقشه‌راهی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی است. اقتصاد کشورمان با تورم بالای ۴۰درصد، بیکاری فزاینده و وابستگی به درآمدهای نفتی مواجه است. سرمایه‌گذاری در تولید، با افزایش ظرفیت‌های تولیدی، عرضه کالاها

از چالش‌های اقتصادی فعلی ضروری‌اند، بلکه زمینه‌ساز تحقق شعار سال ۱۴۰۴ یعنی «سرمایه‌گذاری برای تولید» نیز خواهند بود. در سلسله گزارش‌های پیش‌رو، هر یک از این محورها به‌طور جداگانه بررسی و تحلیل خواهند شد. این سیمین گزارش، بر یکی از بنیادی‌ترین این محورها یعنی صرفه‌جویی، تحقق شعار سال (سرمایه‌گذاری برای تولید) تمرکز دارد.

را تقویت و تورم را مهار می‌کند. این رویکرد، اشتغال پایدار ایجاد کرده و با کاهش وابستگی به واردات، منابع ارزی را حفظ می‌کند. تقویت صادرات غیرنفتی نیز اقتصاد را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر می‌سازد. برای مثال، توسعه صنایع کوچک و متوسط می‌تواند صدها هزار شغل جدید ایجاد کند. این شعار، اگر با اصلاحات ساختاری همراه شود، می‌تواند نقطه عطفی در توسعه اقتصادی باشد. اما بدون تأمین مالی پایدار، بهبود فضای کسب‌وکار و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، تحقق آن دشوار خواهد بود.

■ چه موانعی پیش‌روی تحقق این شعار وجود دارد؟

مهم‌ترین مانع، کسری بودجه دولت است که اغلب از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین می‌شود و تورم را تشدید می‌کند. این وضعیت، نااطمینانی اقتصادی را افزایش داده و سرمایه‌گذاری را پرریسک می‌کند. نظام بانکی نیز به دلیل ناترازی‌های گسترده و مطالبات غیرجاری، توان تأمین مالی تولید را ندارد. بخش عمده نقدینگی کشور به سمت فعالیت‌های غیرمولد مانند سفته‌بازی در بازار ارز، طلا و مسکن هدایت می‌شود. فضای کسب‌وکار نیز به دلیل بوروکراسی پیچیده، قوانین ناپایدار و

فساد اداری، برای سرمایه‌گذاران جذاب نیست. رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار، ۱۲۷ از ۱۹۰ کشور است که نشان‌دهنده موانع جدی است. علاوه بر این، فقدان سیاست‌های منسجم برای هدایت سرمایه‌های مردمی به تولید، چالش دیگری است. بدون اصلاح این موانع، شعار سال در حد حرف باقی خواهد ماند.

■ دولت چه اقداماتی باید انجام دهد؟

دولت باید سه محور را در اولویت قرار دهد: اول، اصلاح ساختار بودجه برای کاهش کسری و جلوگیری از تأمین مالی تورمی. این امر نیازمند افزایش شفافیت مالی و کاهش هزینه‌های غیرضروری است. دوم، بهبود فضای کسب‌وکار با ساده‌سازی قوانین، کاهش زمان صدور مجوزها و مبارزه با فساد اداری. برای مثال، کاهش زمان دریافت مجوز از ماه‌ها به چند روز، سرمایه‌گذاران را جذب می‌کند. سوم، تقویت بازار سرمایه برای جذب سرمایه‌های مردمی. عرضه سهام شرکت‌های تولیدی در بورس و ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری می‌تواند منابع مالی را تأمین کند. همچنین، ارائه مشوق‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات کم‌بهره، انگیزه سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. حمایت از صنایع دانش‌بنیان و ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال نیز ضروری است. هماهنگی بین قوا و اجرای سیاست‌های منسجم، کلید موفقیت است.

■ نقش بخش خصوصی و مردم چیست؟

بخش خصوصی و مردم، ستون‌های اصلی تحقق شعار سال هستند. سرمایه‌های خرد و کلان مردمی، اگر از طریق بازار سرمایه یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری به تولید هدایت شوند، می‌توانند تحول‌آفرین باشند. اما این امر نیازمند اعتمادسازی است. دولت و قوه قضاییه باید با تضمین حقوق مالکیت، اجرای قرار دادها و کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی را تقویت کنند. بخش خصوصی نیز باید با نوآوری و افزایش بهره‌وری، رقابت‌پذیری تولید را بالا ببرد. برای مثال، سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید می‌تواند هزینه‌های تولید را کاهش دهد. مشارکت مردم در طرح‌های تولیدی از طریق خرید سهام یا حمایت از محصولات داخلی نیز نقش کلیدی دارد.

■ چه نمونه‌های موفق‌ی از سرمایه‌گذاری در تولید وجود دارد؟

در ایران، صنایع دانش‌بنیان نمونه‌های موفق‌ی هستند. شرکت‌های فعال در حوزه فناوری اطلاعات، زیست‌فناوری و تجهیزات پزشکی با جذب سرمایه‌های خصوصی، محصولات رقابتی تولید کرده‌اند. برای مثال، استارت‌آپ‌های دیجیتال با حمایت صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بازارهای جدیدی ایجاد کرده‌اند. در سطح جهانی، کره جنوبی الگوی موفق‌ی است. این کشور با حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی و فناوری، از یک اقتصاد کشاورزی به یکی از اقتصادهای پیشرو تبدیل شد. همکاری دولت و بخش خصوصی، همراه با سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، کلید موفقیت کره جنوبی بود. این تجربه نشان می‌دهد، ایران نیز با هدایت منابع به سمت تولید و نوآوری، می‌تواند به نتایج مشابهی دست یابد.

■ چشم‌انداز تحقق این شعار چیست؟

با اجرای اصلاحات ساختاری، چشم‌انداز مثبتی برای تحقق شعار سال وجود دارد. کاهش کسری بودجه، بهبود فضای کسب‌وکار و هدایت نقدینگی به تولید می‌تواند در میان‌مدت، تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد، بیکاری را کاهش دهد و تورم را مهار کند. برای مثال، تقویت صنایع کوچک می‌تواند سالانه صدها هزار شغل ایجاد کند. اما این امر نیازمند عزم ملی، هماهنگی بین قوا و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران است. بدون اصلاحات، شعار سال در حد حرف باقی می‌ماند. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد، همکاری دولت، بخش خصوصی و مردم، همراه با سیاست‌های منسجم، می‌تواند اقتصاد را متحول کند. ایران با ظرفیت‌های عظیم خود، پتانسیل دستیابی به رشد پایدار را دارد.

■ جمع‌بندی

سال ۱۴۰۴ می‌تواند فرصتی طلایی برای اقتصاد کشورمان باشد تا از ظرفیت‌های نهفته در بخش تولید بهره‌برداری شود. سرمایه‌گذاری در تولید باید از مرحله تئوری و برنامه‌ریزی به مرحله عملیاتی منتقل شود. طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی که روی کاغذ باقی می‌مانند، هیچ‌گاه به نتیجه نخواهند رسید. وقت آن رسیده که تمام سیاستگذاران، نهادهای دولتی و بخش خصوصی، برای تحقق شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید»، اقدامات جدی و فوری انجام دهند. تولید ملی به‌عنوان قلب پنبنده اقتصاد، باید از حالت شعار و حرف به میدان عمل وارد شود. این تغییر نگرش، تنها با تأمین منابع مالی پایدار، رفع موانع تولید و تسهیل فرایندهای قانونی میسر خواهد بود. از طرفی، باید به ایجاد زیرساخت‌های مناسب و آموزش نیروی انسانی متخصص توجه کرد تا از ظرفیت‌های موجود به‌بترین نحو استفاده کنیم. در نهایت، برای تحقق این هدف، باید خط تولید را از کاغذ به کارخانه آورد و هیچ‌گاه اجازه نداد وعده‌های صرفاً نظری، مسیر پیشرفت را منحرف کنند. این تحول، نیازمند هم‌افزایی و اراده ملی است تا از بحران‌ها عبور کنیم و به سمت اقتصاد مقاوم و پایدار حرکت کنیم.

بخش خصوصی چه نقشی در این هدف دارد؟ چرا اعتماد آن‌ها به سیاستگذاری‌ها کم است؟

بخش خصوصی، قلب تحقق رشد ۸درصدی است. اما سال‌هاست با تحریم‌های داخلی مثل قوانین ناپایدار و بوروکراسی، از میدان اقتصاد رانده شده است. رتبه ۱۲۷ ایران در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار، قاعه‌است. برای جلب اعتماد، باید امنیت سرمایه‌گذاری را تضمین کنیم. این یعنی اجرای قرار دادها، تضمین حقوق مالکیت و حذف قیمت‌گذاری دستوری. قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت، ابزارهایی برای جذب سرمایه‌های خصوصی فراهم کرده است. فعالان اقتصادی نشان دادند، با میدان دادن به آن‌ها، رشد ۸درصدی بدون وابستگی به خارج ممکن است. بخش خصوصی آماده است، اگر دولت موانع را برآرد.

اگر رشد ۸درصدی محقق نشود، چه تبعاتی برای اقتصاد ایران دارد؟

توقف در رشد ۴درصدی فعلی، یعنی ادامه بیکاری، فقر و شکاف با کشورهای منطقه. بدون رشد ۸درصدی، نمی‌توانیم زیرساخت‌ها را نوسازی کنیم، یا ناترازی‌های انرژی و بانکی را حل کنیم. این یعنی تشدید مهاجرت نیروی انسانی متخصص و کاهش قدرت ملی. رشد پایین، اقتصاد را در تله رکود تورمی نگه می‌دارد و اعتماد مردم را تضعیف می‌کند. رشد ۸درصدی، نه‌فقط یک هدف اقتصادی، بلکه یک ضرورت سیاسی و اجتماعی برای حفظ انسجام ملی است.

چشم‌انداز شما برای تحقق این هدف چیست؟ چه پیامی برای سیاستگذاران دارد؟

چشم‌انداز روشن است؛ اگر اراده ملی شکل بگیرد. با اصلاح بودجه، بهبود فضای کسب‌وکار، تقویت بازار سرمایه و حمایت از نوآوری، می‌توانیم خط تولید را از کاغذ به میدان بیاوریم. پیام من به سیاستگذاران این است: از شعارزدگی پرهیز کنید و به بخش خصوصی اعتماد کنید. فعالان اقتصادی ثابت کرده‌اند، رشد ۸درصدی شدنی است. حالا نوبت دولت و مجلس است که موانع را برآردند و بقلعه‌ها را به ریل توسعه بازگردانند. این هدف، نه‌تنها ممکن، بلکه برای آینده ایران حیاتی است.



نیاز را پوشش می‌دهد. نکته کلیدی، بهبود فضای کسب‌وکار است تا این منابع به جای سفته‌بازی، به تولید برسند.

بهره‌وری در ایران نزدیک به صفر بوده. چطور می‌خواهید ۳۵درصد رشد را از بهره‌وری تأمین کنید؟

رشد بهره‌وری پایین، نتیجه سوءمدیریت و استفاده ناکارآمد از منابع است. اما پتانسیل بالایی در این بخش وجود دارد. برای مثال، صنایع دانش‌بنیان ایرانی در حوزه‌هایی مثل فناوری اطلاعات، با بهره‌وری بالا عمل کرده‌اند. تقویت این بخش، ارتقای زیرساخت‌های دیجیتال و آموزش نیروی کار می‌تواند بهره‌وری را متحول کند. کره جنوبی با سرمایه‌گذاری در فناوری و آموزش، بهره‌وری را به موتور رشد تبدیل کرد. در ایران، اصلاح فرایندهای تولید، کاهش بوروکراسی و حمایت از نوآوری، می‌تواند ۲/۸ درصد از رشد ۸درصدی را تأمین کند. همان‌طور که برنامه هفتم هدف‌گذاری کرده است، این شدنی است، اگر از شعارزدگی فاصله بگیریم.

بخش خصوصی آماده تحقق رشد ۸درصدی است. دولت باید با حذف بوروکراسی و اعتمادسازی، خط تولید را به میدان عمل بیاورد و اقتصاد ایران را پویا کند

سال ۱۳۹۵، با بررسی ۱۳ اقتصاد با رشد ۷درصد و بالاتر نشان داد، سرمایه‌گذاری بالا، کلید رشد است. برای ایران، این عدد به معنای افزایش تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است که در دهه گذشته میانگین رشد آن منفی ۱/۶ درصد بوده. اما نباید فراموش کنیم، بخش عمده این سرمایه می‌تواند از منابع داخلی تأمین شود. برای مثال، هدایت نقدینگی موجود از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری و عرضه سهام شرکت‌های تولیدی در بورس، بخشی از این

گفت‌و‌گو «جوان» با علیرضا سلیمانی، کارشناس اقتصادی

رشد ۸درصدی، آرمانی دور یا الزامی نزدیک؟

یک کارشناس اقتصادی از ضرورت و امکان‌پذیری رشد اقتصادی ۸درصدی در برنامه هفتم توسعه می‌گوید

و راهکارهای عملی برای تحقق آن را تشریح می‌کند

«رشد ۸درصدی، نه رؤیای دست‌نیافتنی که ضرورتی برای نجات اقتصاد کشورمان است.» این جمله، چکیده دیدگاه علیرضا سلیمانی، کارشناس اقتصادی درباره هدف‌گذاری بر نامه هفتم توسعه است. در حالی که برخی کارشناسان، دستیابی به این رشد را با وجود تحریم‌ها و ناترازی‌های اقتصادی غیرممکن می‌دانند، سلیمانی با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و تجربه فعالان اقتصادی، آن را شدنی می‌داند. در این مصاحبه چالشی، او از موانع، الزامات و راهکارهای تحقق این هدف سخن می‌گوید و تأکید می‌کند با اصلاحات ساختاری، اعتمادسازی و میدان دادن به بخش خصوصی، می‌توان اقتصاد ایران را به ریل پویایی بازگرداند. این گفت‌وگو، پاسخی است به تردیدها و نقشه‌راهی برای آینده.

بر برخی کارشناسان معتقدند، رشد ۸درصدی با وجود تحریم‌ها و ناترازی‌های اقتصادی، غیرممکن است. چرا شما آن را شدنی می‌دانید؟

تردید درباره رشد ۸درصدی از ناامیدی نسبت به ظرفیت‌های داخلی ناشی می‌شود. اقتصاد کشورمان در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به‌طور میانگین رشد ۸درصدی را تجربه کرده و در شش‌ماهه ۱۴۰۳ نیز همین روند ادامه داشته است. این نشان می‌دهد حتی در شرایط تحریم، اقتصاد با پتانسیل رشد دارد. فعالان اقتصادی در نمایشگاه توانمندی‌های بخش خصوصی، امکان تحقق رشد ۸درصدی بدون وابستگی به خارج را ثابت کرده‌اند. برنامه هفتم توسعه مشخص کرده ۳۵درصد این رشد از بهره‌وری و مابقی از سرمایه‌گذاری تأمین می‌شود. ما

منتقدان می‌گویند، تحریم‌ها جذب سرمایه‌گذاری خارجی را مختل کرده و رشد ۸درصدی را غیرواقعی می‌کند. پاسخ شما چیست؟

تحریم‌ها مانع هستند اما نباید ظرفیت داخلی را دست‌کم بگیریم. در سال ۱۳۹۵، با افزایش درآمدهای نفتی و رشد ۲۲/۸درصدی تشکیل سرمایه ناخالص، اقتصاد ما رشد بالایی را تجربه کرد. این نشان می‌دهد، با مدیریت درست، می‌توان از منابع داخلی بهره برد. اولویت ما باید جذب سرمایه‌های داخلی باشد. نقدینگی

عظیم کشور که اغلب به سمت سفته‌بازی در ارز و طلا می‌رود، می‌تواند با ابزارهایی مثل بازار سرمایه به تولید هدایت شود. قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت که مجلس آن را تصویب کرده، بستری برای این هدف است. سرمایه‌گذاری خارجی مکمل است اما رشد ۸درصدی حتی بدون آن هم شدنی است، به شرطی که تحریم‌های داخلی مثل بوروکراسی و قوانین دست‌وپاگیر را حذف کنیم.

ناترازی‌های بانکی و کسری بودجه چطور؟ این‌ها بزرگ‌ترین موانع رشد نیستند؟

کاملاً درست است، ناترازی‌های بانکی و کسری بودجه، سم اقتصاد هستند. کسری بودجه با استقراض از بانک مرکزی، تورم را شعله‌ور می‌کند و سرمایه‌گذاری را پرریسک. نظام بانکی هم به دلیل مطالبات غیرجاری، توان تأمین مالی تولید را ندارد. اما راه‌حل وجود اصلاح ساختار بودجه با شفافیت مالی و کاهش هزینه‌های غیرضروری، کسری را مهار می‌کند. برای ناترازی بانکی، باید بانک‌ها را ملزم به اصلاح ترانزنامه و هدایت تسهیلات به تولید کنیم. طبق برنامه هفتم، ۳۵درصد رشد از بهره‌وری می‌آید، یعنی بدون تکیه به منابع جدید، می‌توان با مدیریت بهتر، بازدهی را بالا برد. این‌ها چالش هستند اما قابل حل‌اند، اگر اراده ملی وجود داشته باشد.

برخی می‌گویند، برای رشد ۸درصدی، ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است. این عدد از کجای می‌آید؟

اعداد زیاد و متنوع گفته می‌شود. در خوشبینانه‌ترین حالت این برآوردها از محاسبات تجربه بهره برد. اقتصادهای با رشد بالا ناشی می‌شود. یک گزارش در